



#واکسن_کرونا

خبر تست موفقیت‌آمیز واکسن کرونا در دانشگاه آکسفورد خیلی‌ها را خوشحال کرد. حالا نتایج مرحله دوم تحقیقات واکسن آکسفورد اعلام و گفته شده که واکسن مطمئن و کاملاً اثربخش است و باعث ایجاد ایمنی در برابر کروناویروس در بدن انسان می‌شود. از زمان پخش اولین خبر خیلی‌ها از اینکه امیدهایی برای بازگشت به زندگی عادی ایجاد شده می‌نوشتند و بعضی‌ها هم با این مسأله شوخی می‌کردند اما کاربران زیادی نگران این هستند که با وجود تحریم‌ها و کارشکنی‌ها، این واکسن به ایران هم می‌رسد یا نه: «آکسفورد مگه دیکشنری نمی‌ساخت؟ واکسن از کجا آورده؟»، «ساخته شدن واکسن کرونا توسط آکسفورد خیلی خبر خوبیه، فقط بدیش اینجاس نمی‌دوینیم اصلاً به ایران می‌رسه؟ اگه به مردم برسه، قیمتش چنده؟»، «امیدوارم زودتر بیاد ایران، چون دلم برای

خبر تست موفقیت‌آمیز واکسن کرونا در دانشگاه آکسفورد خیلی‌ها را

حاشیه دیدم بهش...»، «گویا واکسن کرونا

صورت حاشیه غیررسمی خبر عرض می‌کنم،

آنگار همسایه کناریشون ساخته و مثل آتش نذری

آکسفورد واکسن و درست کرده باشه به پاس

تشر از زحماتش، میرم کل دیکشنری رو حفظ

می‌کنم...»، «خب دیشب واکسن آکسفورد هم که

جواب داد. روسیه و چین هم از اون طرف. امریکا

واکسن کرونا جنگ جهانی سوم

نشه صلوات!)

سفر همسایه به ایران

سفر نخست وزیر عراق به ایران از خبرهای مهم دیروز بود. بخصوص بعد از اینکه گفته شد سفر او به عربستان لغو شده‌است. عکس‌ها و فیلم‌های ورود مصطفی‌ی الکاظمی به ایران و استقبال از او در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شد و خیلی‌ها از این سفر به عنوان راهگشایی در حل مسائل ایران یاد می‌کردند: «سفر آقای الکاظمی به تهران فصلی نوین ونقطه عطف روابط راهبردی تهران-بغداد»، «سفر مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق به ایران و گمانه‌زنی درباره آزاد شدن میلیاردها دلار، منابع ارزی ایران در عراق. آیا همین خبر قیمت ارز را در بازار کاهش داده؟»، «نرخ دلار ۲ هزار تومان کم شد. نرخ خرید دلار ۱۹۹۰۰ تومان. ظاهراً سفر آقای مصطفی الکاظمی نخست وزیر عراق به تهران تأثیر جدی روی آزاد شدن منابع ارزی در عراق خواهد شد... مهم بوده و هست که مصطفی الکاظمی نخست وزیر جدید عراق در اولین سفر خارجی در کدام پایتخت فرود می‌آید... اول گفتند می‌رود ریاض... اما به بهانه یابه

دلیل مریضی پادشاه سعودی سفر

به عربستان لغو و گفته شده امروز الکاظمی هممان

عراق است...»، «کاش با آقای کاظمی (نخست وزیر

عراق) که میان ایران، درباره مشکلات تجار ایرانی

در مرزها هم صحبت بشه. گمرک عراق، بحث

تعرفه ترخیص کالا در مرزها، بحث حمل و نقل و

مهم‌ترینش بحث سیستم نقل و انتقال مالی (که

در راه باشه)...»، «الکاظمی رسید تهران، لغو

شدن سفرش به سعودی به بهانه «بیماری ملک

سلیمان» و بلافاصله آمدنش به تهران، جالب

بود، آفرین به ظریف...»، «تهران آماده استقبال

هادی مرزبان: در دوران کرونا به تله تئاتر رو بیاوریم

در نشستی که با قادر آشنا، مدیرکل هنرهای نمایشی داشتم پیشنهادی مطرح کردم مبنی بر اینکه مذاکراتی با صداوسیما برای تولید تله تئاتر مطرح شود چون به هر حال فعلاً شرایط این است و باید از آن را بپذیریم. این روزها که به‌دلیل بحران کرونا تماشاگران ترجیح می‌دهند به سالن‌های تئاتری نیایند پس بهتر است که به سمت تولید تله تئاتر برویم. البته من همیشه اعتقاد داشتم که تئاتر یک مراسم است و حتی تماشاگری که به دیدن یک نمایش می‌نشیند هم در یک مراسم شرکت می‌کند چون قرار است یک زندگی فرضی را بپذیرد و در بازی شرکت داشته باشد. تا زمانی که خطر رفع شود می‌توانیم به تولید تله تئاتر رو بیاوریم.

بخشی از گفته‌های این کارگردان تئاتر با مهر

مهر

به بهانه سانسور در برنامه دورهمی

مهمان نداریم! چه میهمانی؟

است. نمونه آخرش حضور امیرآقای در دورهمی بود که با وجود تبلیغات گسترده‌ای که به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی از این برنامه صورت گرفت از پخش آن جلوگیری شد. حضور مجید صالحی هم با همین ممیزی همراه شد. آیتم میهمانان برنامه دورهمی یک مشکل اساسی دیگر هم دارد و آن دعوت از برخی چهره‌هاست که هنوز به معنای متعارف رسانه‌ای و سینمایی آن چهره نشده‌اند.

نمونه آخرش حضور هدیه بازوند که نقش دختر سعید آقاخانی را در سریال نون خ ۲ ایفا می‌کرد. بازیگری که سابقه بازیگری چندانی نداشته و چه بسا بسیاری از مردم او را نمی‌شناسند. مسأله این است که قرار نیست برنامه دورهمی به محل معرفی یا تبلیغ چهره‌های ناشناخته بدل شود.

حذف سخنان میهمانان، پخش نکردن برنامه تبلیغ شده و حضور میهمان ناشناخته و کم اهمیت در دورهمی سه چالش درون متنی این برنامه است که اگر حل نشود به اعتماد مخاطب به این برنامه لطمه زده و چه بسا موجب ریزش مخاطبان آن شود. عجیب است که بطور با وجود ناظر کیفی و ناظر پخش، برنامه ضبط شده و تبلیغ شده پخش نمی‌شود! اینکه فلان میهمان در فلان جا فلان حرف را زده یا فلان واکنش را نشان داده باعث حذف و سانسور او در برنامه شود، غلبه حاشیه بر متن است و بنیان این برنامه را سست می‌کند. دورهمی و کپ و گفت‌هایش بیش از هر چیز به صداقت و راستی با مخاطبان هویتمند شده و به نقطه اثرگذاری می‌رسد. تعدد و تکرار این حذف و توقیف‌ها قطعاً اعتماد مخاطب را به کلیت برنامه سلب کرده و دورهمی را به دور از همی بدل می‌کند!

برنامه دورهمی به رغم توقیف‌هایی که در بخش مخاطب داشته، توقیف وتوقف‌هایی هم داشته که به تازگی بیشتر شده و این دقیقاً بی‌احترامی به همان مخاطبی است که حالا در این خشکسالی شادی و نشاط با همه نقدهایی که به برنامه وارد است پای تماشای آن می‌نشیند.

یادداشت



رضا صامیمی منتقد سینما

شاید جذاب‌ترین بخش برنامه دورهمی بخش گفت‌وگو با میهمان برنامه باشد. درست همین نقطه قوت به‌دلیل سیاست‌های متناقض و یک بام و دووایی و کج سلیقگی‌های ناظران کیفی این برنامه به نقطه ضعف یا چالش‌برانگیز برنامه بدل می‌شود.

یا بخشی از سخنان میهمان را پخش نمی‌کنند مثل صحبت‌های مهران احمدی که به قهر کردن دخترش یا او منجر شده! بنیامین بهادری خواننده هم گفته ۱۷ دقیقه از حرف‌هایش در دورهمی سانسور شده. نمونه‌هایی از این دست آنقدر زیاد شده که علی کریمی فوتبالیست حاضر نشده دعوت مهران مدیری به این برنامه را بپذیرد. او در پاسخ به این دعوت گفته: «از آقای مدیری به خاطر دعوت‌شان به برنامه دورهمی خیلی تشکر می‌کنم. از قول میهمان‌های برنامه و خودشان شنیدم که بخش‌هایی از بعضی برنامه‌ها سانسور می‌شود. به هر حال اگر برنامه‌شان پخش زنده بود با کمال میل می‌رفتم.»

جالب اینکه گاهی بخش‌هایی از حرف‌های خود مدیری هم در بازپخش حذف شده! از سوی دیگر برخی از برنامه‌ها که ضبط شده و حتی زمان پخش آن هم اعلام شده از کندکتور پخش خارج شده

همگان شاعرند

آدمی چطور از زندگی و مشکلات زندگی نجات پیدا می‌کند؟ من بعید می‌دانم آدم از رنج زیستن خلاص پیدا کند. این رنج همیشه هست. از همان ابتدا که دنیا می‌آییم با آدمی هست و در طول زندگی کُشدار می‌شود. تفاوتش در آدم‌ها این است که بعضی‌ها این رنج را می‌فهمند و بعضی‌ها هم آن را درک نمی‌کنند. تفاوت بر سر درک و دریافت آدمی است. با این‌همه بعید می‌دانم آدم نجات پیدا کند. اما می‌تواند زندگی را برای خودش تلطیف کند. می‌شود این رنج را قلیل کرد. یکی از جاهایی که می‌شود آن را کم‌رنگ کرد همان وقت‌هایی است که آدمی به سراغ شعر می‌رود. یادمان اگر بیاید همان وقت‌ها که مادرها برای کودکان شان لالایی می‌خواندند. درست همان وقت‌هاست که کودک آرام می‌گرفت. این ریتم از همان کودکی با آدم هست. شعر یعنی ریتم. یعنی موزون بودن. یعنی نرمی و لطافت، و آدمی همیشه جانش به سمت لطافت میل می‌کند. ما ایرانی‌ها هم که همه‌مان شعر متحرکیم. یادم است استادی می‌گفت همه مردمان ایران شاعر هستند مگر خلافتش ثابت شود و اسناد دیگری هم می‌گفت همه مردمان در زندگی شان حداقل یک شعر گفته‌اند و این است که همگان شاعرند. من به این قول نزدیکم. بی‌تردید همه آدمیان شاعرند. اما شاعرانی که در فضای زندگی محدود خودشان می‌مانند. اما شاعر شدن جرات می‌خواهد. شاعر شدن آن وقتی است که شما می‌خواهید شعرهای‌تان را به نمایش بگذارید. دردت عین همان شعر احمد شاملو است که می‌گوید: «بودن دیگر است و شدن دیگر، اما این شاملو است که می‌گوید: «من بودم و شدم.»

درست اختلاف در همین است که یکی شاعر می‌شود. یکی در حسرت شاعر شدن می‌ماند. این شعر است که با جان آدم همراه می‌شود. همین لحظه که این‌ها را دارم می‌نویسم شاعرهای بسیاری از توی سرم رد می‌شوند. همان اول که داشتم از لالایی می‌گفتم درست همان لحظه بود که قدریکو گارسیا لورکا توی سرم جرخ خورد. خیال‌پرداز عجیب در دنیای شاعران. آن‌کس که لالایی مادران را در شعر جمع می‌کرد. یا همان جایی که از رنج می‌گفتم یادم به کتاب تازه منتشر شده حمدرضا شفیعی کدکنی افتاد به‌نام «طفلی به‌نام شادی.» یا میانه که از لطافت می‌گفتم یاد شاعرانه‌های محمد صالح‌علا افتادم. یا وقتی در ادامه داشتم از شاعر شدن حرف می‌زدم شعری از هرمز علی‌پور بود که از خاطرم گذشت. بعد بود که رفتم تا آن شعر را پیدا کنم و هرچه گشتم نیافتم. تعریف نمی‌کنم شعر را برای‌تان تا حالش خراب نشود اما در آن شعر از پزشکی می‌گوید که دلش می‌خواست شاعر شود اما این آرزو را به گور خواهد برد. باز هم شاعرهای زیادی هستند که از ذهنم عبور می‌کنند. یکی یکی بخواهم اسم‌شان را بیاورم این ستون هفتگی برایش کم است. حتی این صفحه هم برایش کم است.

با این‌همه، همه این‌هایی که این‌جا نوشتم درست از یک شعر شروع شد که از صبح توی سرم می‌چرخید. شعری که هرابر به آن فکر می‌کنم حیرت می‌کنم از این همه خیالی که در آن جریان دارد. اصلاً همین خیال است که آدمی را از بار رنج هستی دور می‌کند. شعر هم که خیال است در خیال. اما آن شعر همان است که مولانا می‌گوید: «این چنین ساکن روان که منم.»



آلبوم موسیقی «هورک هورک»

با آواز حسین عزیزی‌پور استاد

موسیقی شمال خراسان منتشر

شد. این آلبوم در برگرفته

موسیقی شمال خراسان در

منطقه قوچان است که با

روایت کرمانجی و فارسی به بازار

موسیقی عرضه شده‌است.

سعید طهرانی زاده هم به‌عنوان

نوازنده دوتار و پژوهشگر و مترجم

اشعار در این آلبوم همکاری کرده

است.



اولین روز از مرداد پر از نام هنرمندان و چهره‌های فرهنگی است. کسانی که در چنین روزی به دنیا آمده یا درگذشته‌اند و حالا بهانه‌ای برای یاد کردن از آنها داریم.

احمد ابراهیمی: استاد آواز و ردیف‌دان موسیقی ایران اگر زنده بود امروز ۹۴ ساله می‌شد. او از کودکی با تشویق خانواده موسیقی را آغاز کرد و سال ۱۳۲۷ به‌دلیل صدای خوش با استادان بزرگی مانند ابوالحسن صبا، غلامحسین بنان و ادیب خوانساری آشنا و شاگرد آنها شد. اولین برنامه رادیویی‌اش را با محمود ذوالفقون در رادیو تهران اجرا کرد که بسیار هم از آن استقبال شد و پس از چند سال اجرا در رادیو در سال ۱۳۳۳ به ارکستر مرتضی خان محجوبی پیوست. او در این سال‌ها در اداره‌های هنری آن زمان مشغول به کار بود و ابتدا به‌عنوان رئیس دفتر اداره کل فعالیت‌های هنری و بعد به‌عنوان مدیرامراه اداری سازمان ملی فولکلور ایران کار می‌کرد. ابراهیمی سال‌ها ردیف‌های آوازی را آموزش می‌داد و سال ۱۳۹۲ درگذشت.



فریا متخصّص: بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون و البته گوینده و صداییشه سال ۱۳۴۰ در چنین روزی به دنیا آمد. فریا متخصّص کارش را سال ۶۰ با بازی در تئاتر آغاز کرد و سال ۶۳ با سریال «طالب» وارد تلویزیون شد و پس از آن در سریال‌هایی بازی کرد که بسیاری از آنها در ذهن مردم ماندند. سریال‌هایی مانند «وزیر مختار»، «گالش‌های مادر بزرگ»، «مزد ترس»، «همسایه‌ها»، «باغ گیلاس»، «آوای فاخته»، «تولدی دیگر» و «در چشم باد». فریا متخصّص از سال ۶۳ در سینما هم حضور داشت و ابتدا فیلم «شب مکافات» را بازی کرد و بازی در سینما را با فیلم‌های «خواب زمستانی»، «ماه پیشونی»، «سیب سرخ حوا»، «ایران برگر» و «آباجان» ادامه داد. بازی فریا متخصّص در مجموعه «شهرزاد» که در شبکه خانگی پخش شد بسیار مورد توجه قرار گرفت.

مریم کاظمی: بازیگر و کارگردان تئاتر که خیلی‌ها او را با آثار مخصوص کودکان می‌شناسند امروز ۵۵ ساله می‌شود. مریم کاظمی در هنرکده آزاد هنریشگی بازیگری را یاد گرفت و بعد در دانشگاه تهران کارگردانی و بازیگری خواند. از سال ۷۹ با تمرکز بر تئاتر کودک آثار بسیاری را تولید و اجرا کرد و البته مؤسس گروه تئاتر مستقل هم هست. مریم کاظمی در بسیاری نمایش‌های مطرح مانند «شب بخیر جناب کنت و کاتوس»، «خواب در فتنج خانلی»، «دردل با سگ»، «رستخیز» و «برف سبز» بازی و نمایش‌هایی مانند «خمس»، «یک پنجمک»، «غول بزرگ مهربان»، «ماه پیشونی»، «از اسن آنجلس تا بام» و «برج عقرب» را کارگردانی کرده‌است. مریم کاظمی برای بسیاری از نمایش‌های کودک که بازی یا کارگردانی کرده جایزه گرفته‌است. جوایزی چون دیپلم افتخار جشنواره تئاتر فجر برای کارگردانی «ملودی وورشو»، او برای بازی در فیلم «جامه دران» نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل زن در هجدهمین جشن بزرگ سینما ایران و جشنواره فیلم عصر ترکیه بود.

■ **حسن یوسف زمانی** آهنگساز، **مظفر قربانی‌نژاد** تعزیه‌خوان، **جلیل رفیعی** نمایشنامه‌نویس و کارگردان، **داریوش فرضیایی** مجری و بازیگر، **آناهیتا همتی** بازیگر، **سعید آرمان** شاعر، **خدیجه بهاری‌نژاد** شاعر، **فرسا خانیانی** عمرانی شاعر، **رضا دستجردی** شاعر، **صادق رحمانی** شاعر، **ظاهر سارانی** شاعر، **رضا طاهری** شاعر، **علی فارغ باسمنج** داستان‌نویس، **آذر کیانی** شاعر، **انسیه موسویان** شاعر، **عبدالله دهش** شاعر و **ژان آنوی** درام‌نویس فرانسوی هم متولد امروز هستند.

افشین مقدم: خواننده ترانه محبوب و مشهور «زمستون» سال ۱۳۵۵ در چنین روزی درگذشت. افشین مقدم متولد سال ۱۳۲۴ بود و موسیقی را از کودکی از عطاالله خرم آموخت. او خواننده آماتوری بود که در رستوران‌های می‌خواند اما صدای گرمش باعث شد سعید دبیری از ترانه‌سرایان آن زمان با او همکاری کند و افشین مقدم ترانه «زمستون» را با ترانه‌ای از دبیری خواند و مشهور شد. آلبوم «زمستون» سال ۱۳۴۸ منتشر شد و بلافاصله پس از موفقیت آن ضبط دومین آلبوم را با ساخته‌های جهانبخش بازوکی آغاز کرد. افشین مقدم داشت برای ترانه «هجرت» تمرین می‌کرد که راهی شمال شد و در جاده هراز تصادف کرد و درگذشت. درست زمانی که در اوج موفقیت بود. آلبوم «زمستون» پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه ۸۰ با پلایش صدا دوباره منتشر شد و باز هم مورد توجه قرار گرفت.

اکبر دودکار: بازیگر قدیمی سینما و تلویزیون هم در چنین روزی درگذشت. در سال ۱۳۸۴، اکبر دودکار متولد ۱۳۰۴ بود و در رشت فعالیت هنری‌اش را آغاز کرد اما چون در استخدام ارتش بود فعالیتش محدود بود. پس از بازنشستگی به تئاتر هقان تهران پیوست و کم‌کم کارش را در سینما و تلویزیون آغاز کرد. بازی دودکار در فیلم‌هایی چون «گلنار»، «رنو تهران ۲۹»، «آپارتمان شماره ۱۱»، «مدرسه به‌رمردها»، «دو نفر و نصفی»، «معجزه خنده» و «شب روباه» و در سریال‌های «کارآگاه علوی»، «مدرسه مادر بزرگ‌ها»، «مسافری» و «کوچه آقا قی» به یاد دارید. ■ **مانوئل پوینینگ** نویسنده آژانتینی و **جووانی گوارسکی** نویسنده و طنزپرداز ایتالیایی هم در چنین روزی درگذشتند.

